



بیانیه ها (۲ اکتبر، ۱۹۶۹)

لارنس وینر

مترجم: ساناز رفیعی

من به اشیا اهمیت نمی دهم، اما ساختنشان برایم مهم نیست.
شی (به خاطر قابلیت خریداری و فروختن) چیزی می شود که ممکن است
مردم نتوانند هنر را دریابند.

مردمی که آثار مرا می خردند، می توانند هر جایی که می روند آن ها را
ببرند و می توانند آن ها را دوباره بسازند اگر بخواهند. اگر آن ها را در
ذهنشان هم نگه دارند خوب است. حتما نباید با خریدن آن ها مالکشان
شوند. می توانند تنها با دانستنشان آن ها را داشته باشند. هر کسی که باز
تولیدی از هنر من درست کند هنری با همان اعتباری که من ساخته ام،
ساخته.

ماشین آلات صنعتی و ترکیبی اجتماعی و اقتصادی محیط را آلوده می کنند
و روزی که هنرمند احساس کند که مجبور است به محیط صدمه بزند،
تولید هنر بیشتر باید متوقف شود. اگر شما نمی توانید بدون حک کردن
دائمی بر جز های های فیزیکی دنیا هنری خلق کنید، پس شاید آن هنر
ارزش ساخته شدن ندارد. در این مقوله، هر آسیب دائمی به فاکتور های
اکولوژیکی در طبیعت که برای ارتقای وجود انسان ها الزامی نیست، و تنها
برای به تصویر کشیدن یک ایده ی هنری لازم است، جنایتی علیه بشریت
است. چرا که هنری که هنرمندان برای انسان های دیگر خلق می کنند
نباید هرگز علیه انسان ها استفاده شود، مگر آن که هنرمند مشتاق باشد،
موقعیت خودش را انکار کند و مقام خدا را به خود بگیرد. هنرمند بودن به
معنی حداقل آسیب رساندن به انسان های دیگر است.

آثار گران خودخواهانه بسیار تحمیل کننده هستند. شما نمی توانید ۲۴ تن
استیل را در کمد نگه دارید.

اگر هنر یک دیدگاه عمومی به این مسئله دارد و اگر کسی اثری را در
۱۹۶۸ دریافت کند و انتخاب کند تا آن ساخته شود، و بعداً از نگاه کردن به
آن اثر خسته شود یا نیاز به جایی برای یک دستگاه تلویزیون جدید داشته

باشد، می تواند آن اثر را دور بندازد. اگر در ۱۹۷۵ انتخاب می کند تا دوباره آن کار ساخته شود. در این صورت اثری از هنر ۱۹۷۵ دارد. همان طور که متریال ها تغییر می کنند، فردی که ممکن است درباره ی هنر فکر کند، همانند فردی که آن را وادار به ساخه شدن کرده، به متریال به صورت معاصری دسترسی دارد و کمک می کند تا متریال های ۱۹۶۸ بی اعتبار شود... من به شخصه علاقه ی بیشتری به ایده ی متریال دارم تا خود متریال.

به نظر من هنری که موقعیت ها را به نمایش می گذارد، انسانی یا مسائل دیگر، به خاطر تحمیل دریافتش^۱ پر مخاطب فاشیسم زیبای شناسانه ایجاد می کند.

هنر من هرگز جهت دهی نمی کند، تنها اثر را به عنوان یک حقیقت درک شده، بیان می کند.

ممکن است هنرمند اثر را بسازد.

ممکن است اثر تولید شود.

اثر نیازی به ساخته شدن ندارد.

هر موجودیتی مساوی و محکم

با قصد هنرمند

تصمیم به مانند موقعیت

با مخاطب باقی می ماند

در حیطه ی دریافت کردن

¹ appreciation